

ارمیا ایش 18

1 کلامی که از جانب خداوند به ارمیا نازل شده، گفت:

2 «برخیز و به خانه کوزه‌گر فرود آی که در آنجا کلام خود را به تو خواهم شنوایید.»

3 پس به خانه کوزه‌گر فرود شدم و اینک او بر چرخها کار می‌کرد.

4 و ظرفی که از گل می‌ساخت در دست کوزه‌گر ضایع شد پس دوباره ظرفی دیگر از آن ساخت بطوری که به نظر کوزه‌گر پسند آمد که بسازد.

5 آنگاه کلام خداوند به من نازل شده، گفت:

6 «خداوند می‌گوید: ای خاندان اسرائیل آیا من مثل این کوزه‌گر با شما عمل نتوانم نمود زیرا چنانکه گل در دست کوزه‌گر است، همچنان شما ای خاندان اسرائیل در دست من می‌باشید.

افسیان ایش 5

15 پس باخبر باشید که چگونه به دقت رفتار نمایید، نه چون جاهلان بلکه چون حکیمان.

16 و وقت را دریابید زیرا این روزها شریر است.

17 از این جهت بی‌فهم مباشید، بلکه بفهمید که اراده خداوند چیست.

18 و مست شراب مشوید که در آن فجور است، بلکه از روح پر شوید.

19 و با یکدیگر به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی گفتگو کنید و در دل‌های خود به خداوند بسرایید و ترنم نمایید.

20 و پیوسته، بجهت هرچیز خدا و پدر را به نام خداوند ما عیسی مسیح شکر کنید.

21 همدیگر را در خدا ترسی اطاعت کنید.

متی ایش 22

1 و عیسی توجه نموده، باز به مثلها ایشان را خطاب کرده، گفت،

2 ملکوت آسمان پادشاهی را مانند که برای پسر خویش عروسی کرد.

3 و غلامان خود را فرستاد تا دعوتشدگان را به عروسی بخوانند و نخواستند بیایند.

4 باز غلامان دیگر روانه نموده، فرمود، دعوتشدگان را بگویید که، اینک، خوان خود را حاضر ساخته‌ام و گاو و پرواریهای من کشته شده و همه چیز آماده است، به عروسی بیایید.

5 ولی ایشان بی‌اعتنایی نموده، راه خود را گرفتند، یکی به مزرعه خود و دیگری به تجارت خویش رفت.

6 و دیگران غلامان او را گرفته، دشنام داده، کشتند.

7 پادشاه چون شنید، غضب نموده، لشکریان خود را فرستاده، آن قاتلان را به قتل رسانید و شهر ایشان را بسوخت.

8 آنگاه غلامان خود را فرمود، عروسی حاضر است؛ لیکن دعوت شدگان لیاقت نداشتند.

9 الآن به شوارع عامه بروید و هر که را بیابید به عروسی بطلبید.

10 پس آن غلامان به سر راه‌ها رفته، نیک و بد هر که را یافتند جمع کردند، چنانکه خانه عروسی از مجلسیان مملو گشت.

11 آنگاه پادشاه بجهت دیدن اهل مجلس داخل شده، شخصی را در آنجا دید که جامه عروسی در بر ندارد.

12 بدو گفت، ای عزیز چطور در اینجا آمدی و حال آنکه جامه عروسی در بر نداری؟ او خاموش شد.

13 آنگاه پادشاه خادمان خود را فرمود، این شخص را دست و پا بسته بردارید و در ظلمت خارجی اندازید، جایی که گریه و فشار دندان باشد.

14 زیرا طلبندگان بسیارند و برگزیدگان کم.